**پرسشنامه جدایی روانشناختی (هافمن، 1984)**

**معرفی پرسشنامه:**

این پرسشنامه 124 سوالی، در برگیرنده خرده مقیاس­های جداگانه ­ای است که سازه­های استقلال کنشی، استقلال هیجانی، استقلال تعارضی و استقلال نگرشی را در رابطه با پدر و مادر می­سنجد. استقلال نگرشی دارای 28 گویه است که نگرش­ها، ارزش­ها و اعتقادات متفاوت دانشجویان از والدینشان را ارزیابی می­کنند. مولفه استقلال تعارضی با 50 گویه به حس استقلال از احساس گناه، خشم و مسئولیت نسبت به والدین اشاره دارد. استقلال هیجانی 22 گویه میزان استقلال جوان از نیاز به تصدیق والدین، نزدیکی به والدین و حمایت عاطفی والدین در کارها را می­سنجد. استقلال کنشی نیز با 24 گویه استقلال نوجوانان در عمل به وظایف شخصی بدون احتیاج به کمک والدین را اندازه می­گیرد. نیمی از 124 گویه مقیاس، یعنی 62 عبارت ابعاد استقلال کنشی، استقلال هیجانی، استقلال تعارضی و استقلال نگرشی از مادر و 62 گویه نیز چهار بعد استقلال از پدر را می­سنجد. بدین ترتیب 12 گویه (4، 9، 13، 17، 26، 29، 34، 39، 44، 49، 54 و 58) استقلال کنشی از مادر، 14 گویه (3، 8، 12، 16، 20، 25، 28، 33، 38، 43، 48، 53، 57 و 62) استقلال نگرشی از مادر، 20 گویه (1، 5، 6، 7، 14، 15، 18، 19، 23، 24، 27، 30، 32، 36، 40، 42، 46، 50، 52 و 61) استقلال تعارضی از مادر، 11 گویه (2، 10، 31، 35، 37، 41، 45، 47، 51، 55 و 60) استقلال هیجانی از مادر را مورد اندازه­گیری قرار می­داد. همین طور گویه­های (63، 67، 68، 69، 76، 77، 80، 81، 85، 86، 89، 92، 94، 98، 102، 104، 108، 112، 114 و 123) استقلال تعارضی از پدر، گویه­های (64، 72، 93، 97، 99، 103، 107، 109، 113، 117 و 122) استقلال هیجانی از پدر، گویه­های (65، 70، 74، 78، 82، 87، 90، 95، 100، 105، 110، 115، 119 و 124) استقلال نگرشی از پدر و گویه­های (66، 71، 75، 79، 88، 91، 96، 101، 106، 111، 116 و 120) استقلال کنشی از پدر را می­سنجد.

**نمره گذاری:**

دامنه نمره­های گویه­ها از 1 تا 5، حداقل نمره کلی 124 و حداکثر آن 620 است. همه گویه­های آزمون دارای وزن مساوی هستند. نمره­های خرده مقیاس­ها براساس مجموع نمره­های یک فرد در هر مقیاس به دست می­آید. و سپس تفاضل نمره آزمودنی با حداکثر نمره هر زیر مقیاس تعیین می­شود. هر چه قدر مجموع نمرات بالاتر باشد، جدایی روانشناختی در زیر مقیاس مذکور بیشتر است (واحدی، 1394). همچنین تمامی گویه­ها دارای نمره­گذاری مستقیم می­باشند یعنی به گزینه "هرگز درست نیست"= نمره 1 و به گزینه "کاملاً صادق است"= نمره 5 تعلق می­گیرد.

**روایی و پایایی:**

در پژوهش واحدی (1394) که هنجاریابی این پرسشنامه انجام داده­اند آلفای کرونباخ پرسشنامه به شرح جدول زیر می­باشند. همچنین روایی همگرای پرسشنامه مطلوب گزارش گردیده است.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | زیر مقیاس­ها | آلفای کرونباخ |
| جدایی روانشناختی از مادر | استقلال تعارضی از مادر | 84/0 |
| استقلال هیجانی از مادر | 75/0 |
| استقلال نگرشی از مادر | 75/0 |
| استقلال کنشی از مادر | 76/0 |
| جدایی روانشناختی از پدر | استقلال تعارضی از پدر | 82/0 |
| استقلال هیجانی از پدر | 84/0 |
| استقلال نگرشی از پدر | 78/0 |
| استقلال کنشی از پدر | 75 |

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ردیف | **عبارات** | هرگز درست نیست | خیلی کم صادق است | تا حدودی درست است | تا حد زیاد صادق است | کاملاً صادق است |
| 1 | بعضی وقت­ها احساس می­کنم که مادرم وبال گردنم است. |  |  |  |  |  |
| 2 | هنگامی که از مادرم به مدت زمان زیادي دور می­مانم، احساس شادمانی می­کنم . |  |  |  |  |  |
| 3 | نظر من در مورد صفات ارثی شبیه پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 4 | در انتخاب دوستانم خواسته ­هاي مادرم موثر بوده است. |  |  |  |  |  |
| 5 | احساس می­کنم که دائماً با مادرم می­جنگم . |  |  |  |  |  |
| 6 | بسیاري از مشکلاتی که دارم، مادرم را مقصر می­دانم . |  |  |  |  |  |
| 7 | کاش بیشتر می­توانستم به مادرم اعتماد کنم . |  |  |  |  |  |
| 8 | نگرش من در مورد قباحت و زشتی شبیه نگرش مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 9 | وقتی که مشکلی پیدا می­کنم، معمولاً براي حل آن به مادرم متوسل می­شوم. |  |  |  |  |  |
| 10 | برایم با اهمیت­ترین شخص در دنیا، مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 11 | من باید مراقب باشم تا به احساسات مادرم صدمه نزنم. |  |  |  |  |  |
| 12 | عقیده­ام در مورد نقش زن شبیه نظر مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 13 | اغلب از مادرم می­خواهم تا در حل مشکلات شخصی ­ام به من کمک کند. |  |  |  |  |  |
| 14 | گاهی اوقات احساس می­کنم که توسط مادرم تنبیه می­شوم. |  |  |  |  |  |
| 15 | کاشکی مادرم بیش از اندازه حمایت کننده نبود. |  |  |  |  |  |
| 16 | عقایدم در مورد نقش مرد شبیه نظر مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 17 | من بدون تأیید مادرم نمی­توانم یک خرید عمده را انجام دهم . |  |  |  |  |  |
| 18 | کاش مادرم زیاد مرا تحت نفوذ خود قرار نمی­داد. |  |  |  |  |  |
| 19 | اي کاش مادرم مرا بازیچه دست خود قرار نمی­داد. |  |  |  |  |  |
| 20 | عقاید مذهبی من شبیه مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 21 | خواسته­هاي مادرم در انتخاب رشته من در دانشگاه موثر بوده است. |  |  |  |  |  |
| 22 | نسبت به مادرم احساس تعهد می­کنم . |  |  |  |  |  |
| 23 | مادرم فراتر از توانایی ­ام از من انتظار دارد. |  |  |  |  |  |
| 24 | کاش دروغ گفتن به مادرم را قطع می­کردم. |  |  |  |  |  |
| 25 | عقایدم در مورد نحوه تربیت بچه­ها شبیه مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 26 | مادرم به من کمک میکند تا حساب دخ وخرج را داشته باش . |  |  |  |  |  |
| 27 | من اغلب آرزو دارم که مادرم همانند یک بزرگسال با من رفتار می­کرد. |  |  |  |  |  |
| 28 | باورهایم در مورد ارزش صداقت و درستکاري شبیه مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 29 | من وقتی می­خواهم در مورد آخر هفته برنامه­ریزي کنم معمولاً با مادرم مشورت می­کنم . |  |  |  |  |  |
| 30 | من اغلب اوقات از دست مادرم عصبانی هستم. |  |  |  |  |  |
| 31 | دوست دارم که مادرم را بغل کنم و ببوسم. |  |  |  |  |  |
| 32 | وقتی که مادرم در مورد کارهایی که من انجام می­دهم پیشنهادهایی می­دهد، ناراحت می­شوم. |  |  |  |  |  |
| 33 | نگرشم در مورد تنهایی شبیه نگرش مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 34 | من وقتی می­ خواهم در مورد استخدام پاره وقت تصمیم بگیرم با مادرم مشورت می­کنم . |  |  |  |  |  |
| 35 | من در کارهایم مطابق با اینکه آیا مادرم آن را تصدیق خواهد کرد یا نه تصمیم می­گیرم. |  |  |  |  |  |
| 36 | حتی موقعی که مادرم نظر خوبی دارد من به خاطر اینکه آن نظر اوست آن را نمی­پذیرم. |  |  |  |  |  |
| 37 | وقتی که من در دانشگاه به طور ضعیف کار می­کنم احساس می­کنم که با این کارم مادرم را مأیوس می­کنم . |  |  |  |  |  |
| 38 | نگرش من در مورد حمایت محیطی شبیه نگرش مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 39 | وقتی که در موقعیت دشواري قرار می­گیرم از مادرم می­خواهم که یک کاري انجام دهد. |  |  |  |  |  |
| 40 | اي کاش مادرم سعی نمی­کرد تا مرا به طرفداري از خود وادارد. |  |  |  |  |  |
| 41 | مادرم بهترین دوست من است. |  |  |  |  |  |
| 42 | در مورد مسائل مختلف با مادرم مشاجره می­کنم . |  |  |  |  |  |
| 43 | عقاید من در مورد نحوه آغاز شدن جهان شبیه عقیده مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 44 | در مورد خیلی از مسائلی که برایم پیش می­آید مطابق تصمیمات مادرم عمل می­کنم . |  |  |  |  |  |
| 45 | به نظر می­رسد که من در قیاس با بیشتر هم سن و سالها بیشتر شبیه مادرم هستم . |  |  |  |  |  |
| 46 | مادرم بعضی اوقات مایه خجالت من می­شود. |  |  |  |  |  |
| 47 | بعضی مواقع احساس می­کنم که خیلی وابسته به مادرم هستم . |  |  |  |  |  |
| 48 | عقاید من در مورد روز قیامت و رستاخیز شبیه مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 49 | وقتی براي اوقات فراغتم برنامه­ریزي می­کنم از مادرم می­خواهم مرا راهنمایی کند. |  |  |  |  |  |
| 50 | من بعضی مواقع از مادرم خجالت زده می­شوم. |  |  |  |  |  |
| 51 | بیش از اندازه به عکس العمل­هاي مادرم توجه می­کنم . |  |  |  |  |  |
| 52 | وقتی که مادرم از من انتقاد می­کند عصبانی می­شوم. |  |  |  |  |  |
| 53 | نگرش من در مورد جنسیت شبیه مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 54 | من دوست دارم در انتخاب لباسی که می­خواهم براي موقعیت به خصوصی بخرم مادرم کمک کند. |  |  |  |  |  |
| 55 | من بعضی مواقع احساس می­کنم که یک حالت بسط یافته­ اي از مادرم هستم. |  |  |  |  |  |
| 56 | وقتی که چیزي را از مادرم پنهان می­کنم احساس ناراحتی می­کنم. |  |  |  |  |  |
| 57 | نگرش من در مورد دفاع از ملیت شبیه نگرش مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 58 | وقتی که چیزي ایراد پیدا می­کند مادرم در جریان امر قرار می­گیرد. |  |  |  |  |  |
| 59 | من اغلب اوقات مجبورم به خاطر مادرم تصمیماتی بگیرم. |  |  |  |  |  |
| 60 | مطمئن نیستم که بدون مادرم بتوانم زندگی کنم . |  |  |  |  |  |
| 61 | وقتی که مادرم به من می­گوید که چه کاري را باید انجام دهم ناراحت می­شوم. |  |  |  |  |  |
| 62 | نگرش من در مورد بیماري روانی افراد شبیه نگرش مادرم است. |  |  |  |  |  |
| 63 | بعضی وقت­ها احساس می­کنم که پدرم وبال گردنم است. |  |  |  |  |  |
| 64 | هنگامی که از پدرم به مدت زمان زیادي دور می­مانم، احساس شادمانی می­کنم . |  |  |  |  |  |
| 65 | نظر من در مورد صفات ارثی شبیه پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 66 | در انتخاب دوستان خواسته­هاي پدرم موثر بوده است. |  |  |  |  |  |
| 67 | احساس می­کنم که دائماً با پدرم می­جنگم . |  |  |  |  |  |
| 68 | بسیاري از مشکلاتی که دارم، پدرم را مقصر می­دانم . |  |  |  |  |  |
| 69 | کاش بیشتر می­توانستم به پدرم اعتماد کنم. |  |  |  |  |  |
| 70 | نگرش من در مورد قباحت و زشتی شبیه نگرش پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 71 | وقتی که مشکلی پیدا می­کنم، معمولاً براي حل آن به پدرم متوسل می­شوم. |  |  |  |  |  |
| 72 | با اهمیت­ترین شخص در دنیا برایم، پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 73 | من باید مراقب باشم تا به احساسات پدرم صدمه نزنم . |  |  |  |  |  |
| 74 | عقیده­ام در مورد نقش زن شبیه نظر پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 75 | اغلب از پدرم می­خواهم تا در حل مشکلات شخصی­ام به من کمک کند. |  |  |  |  |  |
| 76 | گاهی اوقات احساس می­کنم که توسط پدرم تنبیه می­شوم. |  |  |  |  |  |
| 77 | کاشکی پدرم بیش از اندازه حمایت کننده نبود. |  |  |  |  |  |
| 78 | عقایدم در مورد نقش مرد شبیه نظر پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 79 | من بدون تأیید پدرم نمی­توانم یک خرید عمده را انجام دهم . |  |  |  |  |  |
| 80 | کاش پدرم زیاد مرا تحت نفوذ خود قرار نمی­داد. |  |  |  |  |  |
| 81 | اي کاش پدرم مرا بازیچه دست خود قرار نمی­داد. |  |  |  |  |  |
| 82 | عقاید مذهبی من شبیه پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 83 | خواسته­هاي پدرم در انتخاب رشته من در دانشگاه موثر بوده است. |  |  |  |  |  |
| 84 | نسبت به پدرم احساس تعهد می­کنم. |  |  |  |  |  |
| 85 | پدرم فراتر از توانایی­ام از من انتظار دارد. |  |  |  |  |  |
| 86 | کاش دروغ گفتن به پدرم را قطع می­کردم. |  |  |  |  |  |
| 87 | عقایدم در مورد نحوه تربیت بچه­ها شبیه پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 88 | پدرم به من کمک می­کند تا حساب دخل و خرجم را داشته باشم. |  |  |  |  |  |
| 89 | من اغلب آرزو دارم که پدرم همانند یک بزرگسال با من رفتار می­کرد. |  |  |  |  |  |
| 90 | باورهایم در مورد ارزش صداقت و درستکاري شبیه پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 91 | من وقتی می­خواهم در مورد آخر هفته برنامه­ریزي کنم معمولاً با پدرم مشورت می­کنم . |  |  |  |  |  |
| 92 | من اغلب اوقات از دست پدرم عصبانی هستم. |  |  |  |  |  |
| 93 | دوست دارم که پدرم را بغل کنم و ببوسم. |  |  |  |  |  |
| 94 | وقتی که پدرم در مورد کارهایی که من انجام می­دهم پیشنهادهایی می­دهد، ناراحت می­شوم. |  |  |  |  |  |
| 95 | نگرشم در مورد تنهایی شبیه نگرش پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 96 | من وقتی می­خواهم در مورد استخدام پاره وقت تصمیم بگیرم با پدرم مشورت می­کنم. |  |  |  |  |  |
| 97 | من در کارهایم مطابق با اینکه آیا پدرم آن را تصدیق خواهد کرد یا نه تصمیم می­گیرم. |  |  |  |  |  |
| 98 | حتی موقعی که پدرم نظر خوبی دارد من به خاطر اینکه آن نظر اوست آن را نمی­پذیرم. |  |  |  |  |  |
| 99 | وقتی که من در دانشگاه به طور ضعیف کار می­کنم احساس می­کنم که با این کارم پدرم را مأیوس می­کنم . |  |  |  |  |  |
| 100 | نگرش من در مورد حمایت محیطی شبیه نگرش پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 101 | وقتی که در موقعیت دشواري قرار می­گیرم از پدرم می­خواهم که یک کاري انجام دهد. |  |  |  |  |  |
| 102 | اي کاش پدرم سعی نمی­کرد تا مرا به طرفداري از خود وادارد. |  |  |  |  |  |
| 103 | پدرم بهترین دوست من است. |  |  |  |  |  |
| 104 | در مورد مسائل مختلف با پدرم مشاجره می­کنم . |  |  |  |  |  |
| 105 | عقاید من در مورد نحوه ي آغاز شدن جهان شبیه عقیده پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 106 | در مورد خیلی از مسائلی که برایم پیش می­آید مطابق تصمیمات پدرم عمل می­کنم. |  |  |  |  |  |
| 107 | به نظر می­رسد که من در قیاس با بیشتر هم سن و سالها بیشتر شبیه پدرم هستم. |  |  |  |  |  |
| 108 | پدرم بعضی اوقات مایه خجالت من می­شود. |  |  |  |  |  |
| 109 | بعضی مواقع احساس می­کنم که خیلی وابسته به پدرم هستم. |  |  |  |  |  |
| 110 | عقاید من در مورد روز قیامت و رستاخیز شبیه پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 111 | وقتی براي اوقات فراغتم برنامه ­ریزي می­کنم از پدرم می­خواهم مرا راهنمایی کند. |  |  |  |  |  |
| 112 | من بعضی مواقع از پدرم خجالت زده می­شوم. |  |  |  |  |  |
| 113 | بیش از اندازه به عکس العمل­ هاي پدرم توجه می­کنم. |  |  |  |  |  |
| 114 | وقتی که پدرم از من انتقاد می­ کند عصبانی می­شوم. |  |  |  |  |  |
| 115 | نگرش من در مورد جنسیت شبیه پدرم است. |  |  |  |  |  |
| 116 | من دوست دارم در انتخاب لباسی که می­خواهم براي موقعیت به خصوصی بخرم پدرم کمک کند. |  |  |  |  |  |
| 117 | من بعضی مواقع احساس می­کنم که یک حالت بسط یافته­اي از پدرم هستم. |  |  |  |  |  |
| 118 | وقتی که چیزي را از پدرم پنهان می­کنم احساس ناراحتی می­کنم. |  |  |  |  |  |
| 119 | نگرش من در مورد دفاع از ملیت شبیه نگرش پدرم است |  |  |  |  |  |
| 120 | وقتی که چیزي ایراد پیدا می­کند پدرم در جریان امر قرار می­گیرد. |  |  |  |  |  |
| 121 | من اغلب اوقات مجبورم به خاطر پدرم تصمیماتی بگیرم. |  |  |  |  |  |
| 122 | مطمئن نیستم که بدون پدرم بتوانم زندگی کنم. |  |  |  |  |  |
| 123 | وقتی که پدرم به من می­گوید که چه کاري را باید انجام دهم ناراحت می­شوم. |  |  |  |  |  |
| 124 | نگرش من در مورد بیماري روانی افراد شبیه نگرش پدرم است. |  |  |  |  |  |

**منبع:**

واحدی، شهرام (1394). ***بررسی پایایی، روایی و تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه جدایی روانشناختی در بین دانشجویان.*** فصلنامه اندازه­گیری تربیتی، دوره پنجم، شماره 20، تابستان 1394، صص 159-189.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*